

## مقایسه اثربخشی آموزش مهارت های رفتاری و آموزش ذهنیت های طرحواره ای بر روی پرخاشگری کودکان کار ۱۰ الی ۱۲ ساله

احد عبدی<sup>۱</sup>، نفیسه حناچی<sup>۲</sup>، فائزه سیه بازی<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه آزاد، تفرش، ایران (نویسنده مسئول)

<sup>۲</sup> دانشجوی دکتری مطالعات زنان، دانشگاه آزاد، تهران، ایران

<sup>۳</sup> کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه آزاد، تهران، ایران.

### چکیده

هدف از پژوهش حاضر مقایسه اثربخشی آموزش مهارت های رفتاری و آموزش ذهنیت های طرحواره ای بر روی پرخاشگری کودکان کار ۱۰ الی ۱۲ ساله بود. پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر روش، آزمایشی از نوع پیش آزمون پس آزمون با گروه کنترل با آرایش تصادفی در آزمودنی ها بود. جامعه آماری شامل کودکان کار ۱۰ الی ۱۲ ساله تحت پوشش کلینیک مددکاری اجتماعی نوید مهر واقع در شهرک ولیعصر شهر تهران به تعداد ۸۹ نفر بود که از میان آنها با توجه به لزوم انجام مداخله، ۴۵ نفر به عنوان نمونه با روش هدفمند انتخاب شده و در سه گروه (۱۵ نفر گروه آموزش ذهنیت های طرحواره ای، ۱۵ نفر گروه آموزش مهارت های رفتاری و ۱۵ نفر گروه کنترل) به صورت تصادفی جایگزین شدند. گروه اول تحت ۸ جلسه آموزش مهارت های رفتاری، گروه دوم تحت ۸ جلسه آموزش ذهنیت های ی قرار گرفتند و گروه سوم هیچ آموزشی دریافت ننمودند. جهت سنجش پرخاشگری از مقیاس پرخاشگری پرسشنامه آخنباخ استفاده شد. نتایج پژوهش نشان داد هم آموزش مهارت های رفتاری و هم آموزش ذهنیت های طرحواره ای در کاهش پرخاشگری کودکان کار اثربخش می باشد.

**واژه های کلیدی:** ذهنیت های طرحواره ای، مهارت های رفتاری، پرخاشگری، کودکان کار

## مقدمه

کار اجباری برای کودکان و به کارگیری آنها در زمانی که جسم و روان آنها در حال رشد است، آسیب های جدی را به بار خواهد آورد و آثار آن برای همیشه گریبان آنها را خواهد گرفت [۱]. کودکان کار علاوه بر آسیب های جسمی با آسیب های غیرجسمی که معمولاً برگشتناپذیر نیز هست، روبه رو می شوند، برای مثال، کودکان کارگر از بُعد رشد شناختی دچار ضعف هستند و برای همین نمی توانند از آموزش و پرورش برخوردار گردند و حتی در بعضی توانایی ها مانند محاسبات ضعیف عمل می کنند [۲]. این امر می تواند به طور مستقیم بر تصورات آنان بر خودشان تأثیر گذاشته و مهارت های اجتماعی آنان را دستخوش تخریب قرار دهد و حتی به بروز اختلالات رفتاری منجر گردد.

به دست آوردن اطلاعات دقیق پیرامون کار کودک دشوار است، زیرا بین منابع داده ای در زمینه تعریف و ساختار کار کودک عدم توافق وجود دارد. با این حال طبق آمار سازمان بین المللی کار تعداد کودکان کار در سراسر جهان حدود ۱۶۸ میلیون نفر می باشد که ۸۵ میلیون نفر آن ها به کارهای مخاطره آمیز اشتغال دارند [۳].

موضوع سلامت و رفاه کودکان کار آن هم از ابعاد مختلف جسمی، روانی و اجتماعی حائز اهمیت است. در بعد سلامت روانی این کودکان از جمله هیجان هایی که در زندگی آن ها نقش مهم و مؤثری دارد، هیجان خشم و پرخاشگری می باشند [۴].

پرخاشگری یکی از ویژگی های شخصیتی است که در آسیب پذیر شدن افراد در برابر ارتکاب به تجارب پرخطر مانند تمایل به مصرف مواد خصوصاً در پسران بسیار مهم به حساب می آید [۵]. بر اساس مدل باس و پری (۱۹۹۲)، پرخاشگری دارای سه بعد (ابزاری، عاطفی و شناختی) است. بعد ابزاری یا حرکتی که به شکل پرخاشگری کلامی و جسمانی نمایان می گردد و هدف اصلی آن آسیب رساندن به دیگران است؛ بعد عاطفی و هیجانی که به صورت خشم بروز می کند و عوامل و شرایط درونی ارگانیزم را برای برانگیختگی فیزیولوژیک و هیجانی آماده می سازد. این بعد وظیفه تدارک و آماده سازی رفتار پرخاشگرانه را بر عهده دارد؛ بعد شناختی که خصومت نام دارد سبب ایجاد احساس غرض ورزی، دشمنی و کینه توزی نسبت به دیگران می شود [۶]. بنابراین رفتار پرخاشگرانه در یک سازه کلی قرار دارد، سازه هایی که می توانند به صورت پرخاشگری جسمانی، پرخاشگری کلام، خشم و خصومت نمایان گردند.

محققان بروز رفتارهای پرخاشگرانه را نیز به علل مختلفی نسبت داده اند. در این خصوص، کریک و دودیچ با ارائه مدل پردازش اطلاعات اجتماعی، نقش ساختارهای ذهنی به ویژه طرحواره های شناختی را در تنظیم رفتارهای پرخاشگرانه مهم تلقی کرده اند [۷]. اشتر و ایزاسکون (۲۰۱۰) نیز معتقدند که رفتار پرخاشگرانه به علت درونی شدن تعداد زیادی از طرحواره های پرخاشگر، در ساختار ذهن فرد بروز می کند. در این مدل، مفهوم طرحواره نشانگر دامنه ای از اطلاعات اجتماعی، مانند اطلاعاتی درباره خود، دیگران و نقش ها و رویدادهای اجتماعی است [۸]. رفتار پرخاشگرانه، محصول نوع خاصی از طرحواره های شناختی به نام اسکریپت<sup>۱</sup> است که مسئولیت رمزگردانی، مرور ذهنی، ذخیره سازی و بازیابی نشانه ها، گرایش ها و رفتارهای پرخاشگرانه را بر عهده دارد. این گونه طرحواره ها حتی اگر یک بار درونی شده باشند نقش مهمی در ثبات پرخاشگری در طول زمان و در موقعیت های مختلف ایفا می کنند [۹].

بر این مبنا، یکی از مداخلات در زمینه پرخاشگری، می تواند آموزش ذهنیت های طرحواره ای باشد. ذهنیت طرحواره ای یک الگوی سازمان یافته از تفکر، احساس و رفتار است که منشأ آن مجموعه ای از طرحواره هایی است که از سایر ذهنیت های طرحواره ای، مستقل می باشد [۱۰]. یانگ فرض کرده است که افراد پرخاشگر چهار ذهنیت طرحواره مرکز دارند:

<sup>۱</sup>Buss & Perry<sup>۲</sup>Eshter & Izaskun<sup>۳</sup>Script

محافظ بی تفاوت، کودک عصبانی، کودک رها شده و والد تنبیه گر [۱۱]. علاوه بر این ذهنیت ها، یک ذهنیت بزرگسال سالم وجود دارد که نماینده بعد سالم می باشد که در افراد پرخاشگر ضعیف است. در ذهنیت کودک رها شده/ آسیب دیده، احساس ناتوانی و درماندگی در رسیدن به خواسته های شان و گرفتن حمایت و مراقبت از مراقبین شان می باشند. علائم و نشانه های این ذهنیت؛ احساس درماندگی، ضعیف و بی ارزش بودن، ایده آل کردن والدین و تلاش های افراطی برای اجتناب از ترک شدن می باشد. در ذهنیت کودک تکانشی، فرد به شکل تکانشگرانه ای برای رفع نیازهایش عمل می کند و به صورت شدیدی خشمگین، تکانشی، خوارکننده و پرتما می باشد. در ذهنیت مراقب بی تفاوت، ارتباط فرد با احساسات و نیازهایش قطع می باشد (به صورت دفاعی، بی تفاوت اند). علائم شان؛ بی تفاوتی، ملال، سوء مصرف مواد و الکل، انزوای اجتماعی، خودزنی (که برای از بین بردن عواطف و شناخت های ناخوشایند می باشد) [۱۱]. در آموزش ذهنیت های طرحواره ای، با آموزش این ذهنیت ها، تلاش می شود تا ذهنیت بزرگسال سالم را فعال نمود.

از سوی دیگر، یکی دیگر از روش های کاهش پرخاشگری، آموزش مهارت های رفتاری می باشد، زیرا کودکان کار به منظور تأمین نیازهای مادی خود و خانواده و یا بر اساس قالب های فرهنگی و سنتی حاکم بر جامعه مجبورند در سنین بسیار پایین کار کنند [۱۲] که این امر موجب می شود تا از آموزش های لازم در زندگی عقب بمانند و دچار آسیب های گاهاً جبران ناپذیری شوند.

مهارت رفتاری به عنوان مهارت های لازم برای انطباق با نیازهای اجتماعی و نیز حفظ روابط بین فردی رضایت بخش تعریف می شود [۱۳]. مهارت های رفتاری، اغلب به عنوان مجموعه پیچیده ای از مهارت ها در نظر گرفته شده است که شامل ارتباط، حل مسئله و تصمیم گیری، جرأت ورزی، تعامل با همسالان و گروه و خود مدیریتی می شود [۱۴]. ویژگی های مهارت های رفتاری عبارتند از: هدفمند بودن، آموختنی بودن، به هم مرتب بودن، متناسب بودن با وضعیت و انتظارات دیگران، مجزا بودن واحدهای رفتاری و داشتن مهارت های شناختی. بنابراین کسی که از لحاظ رفتاری و اجتماعی کمبود دارد، ممکن است عناصر اصلی مهارت ها را فرا گرفته باشد، اما از فرآیندهای فکری لازم برای استفاده از این عناصر در تعاملات خود بی بهره باشد [۱۵]. فقدان مهارت های رفتاری مناسب موجب مشکلات بعدی در زندگی، مانند شکست تحصیلی، عدم استخدام و از دست دادن شغل، افسردگی، رفتارهای چالش برانگیز، گوش بزنگی، انزوای اجتماعی و رفتار پرخاشگرانه می شود. از سوی دیگر آموزش مهارت های رفتاری موجب بهبود روابط شخصی با همسالان و بزرگسالان، کاهش رفتارهای بزهکارانه و رفتارهای نامناسب در کلاس می شود [۱۶]. بنابراین با توجه به شیوع و پایداری پرخاشگری در بین کودکان کار و مشکلات همراه با آن و از سوی دیگر اهمیت و تأثیر آموزش مهارت های رفتاری در زندگی کودکان کار و برطرف کردن مشکلات گوناگون رفتاری آنها و نیز با توجه به نزدیکی علل پرخاشگری با ذهنیت های طرحواره ای، در این مقاله به بررسی و مقایسه اثربخشی آموزش مهارت های رفتاری و آموزش ذهنیت های طرحواره ای در پرخاشگری کودکان کار پرداخته می شود.

## روش

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر روش، آزمایشی از نوع پیش آزمون پس آزمون با گروه کنترل با آرایش تصادفی در آزمودنی ها بود. جامعه آماری شامل کودکان کار ۱۰ الی ۱۲ ساله تحت پوشش کلینیک مددکاری اجتماعی نوید مهر واقع در شهرک ولیعصر شهر تهران به تعداد ۸۹ نفر بود که از میان آنها با توجه به لزوم انجام مداخله، ۴۵ نفر به عنوان نمونه با روش هدفمند انتخاب شده و در سه گروه (۱۵ نفر گروه آموزش ذهنیت های طرحواره ای، ۱۵ نفر گروه آموزش مهارت های رفتاری و ۱۵ نفر گروه کنترل) به صورت تصادفی جایگزین شدند. گروه اول تحت ۸ جلسه آموزش مهارت های رفتاری، گروه دوم تحت ۸ جلسه آموزش ذهنیت های طرحواره ای قرار گرفتند و گروه سوم هیچ آموزشی دریافت ننمودند. جهت سنجش پرخاشگری از مقیاس پرخاشگری پرسشنامه آخنباخ استفاده شد.

پرسشنامه آخنباخ: این پرسشنامه توسط آخنباخ (۱۹۹۰) در قالب ۱۱۳ سؤال با طیف لیکرت (خیر، بعضی اوقات، بلی) تهیه شده است. در این پرسشنامه اطلاعات از طریق سه منبع والدین، معلم و خود کودک از مقیاس های درجه بندی رفتار، استفاده می شود. این مقیاس ها به ترتیب عبارتند از: سیاهه رفتاری کودک (CBCL)؛ پرسشنامه خودسنجی (YSR)؛ و فرم گزارش معلم (TRF). این مقیاس ها را آخنباخ براساس شیوه های آماری مانند تحلیل عوامل پرورش داده و به دو عامل کلی که آنها را اصطلاحاً درونی سازی و برونی سازی می نامد دست یافته است.

سیاهه رفتاری کودک (CBCL) توسط والدین و یا فردی که سرپرستی کودک را برعهده دارد، تکمیل می گردد. مشکلات عاطفی، رفتاری و اجتماعی کودک درجه بندی می گردد. پاسخ دهنده براساس وضعیت کودک در ۶ ماه گذشته، هر سوال را بصورت ۰ = نادرست است؛ ۱ = تا حدی یا گاهی درست است و ۲ = کاملاً یا غالباً درست است، درجه بندی می کنند. این فرم، ۸ مشکل یا سندرم عاطفی - رفتاری را اندازه می گیرد.

ضرایب کلی اعتبار فرم های CBCL با استفاده از آلفای کرانباخ ۰/۹۷ و با استفاده از اعتبار بازآزمایی ۰/۹۴ گزارش شده است. روایی محتوایی (انتخاب منطق سؤالات و استفاده از تحلیل کلاس یک سؤالات)، روایی ملاکی (با استفاده از مصاحبه روان پزشکی با کودک و نیز همبستگی با مقیاس CSI-4) و روایی سازه (روابط درونی مقیاس ها و تمایزگذاری گروهی) این فرم ها مطلوب گزارش شده است.

این ابزار برای اولین بار در ایران توسط تهرانی دوست و همکاران (۱۳۸۱) ترجمه و هنجاریابی شده است. در پژوهش مینایی (۱۳۸۵) دامنه ضرایب همسانی درونی مقیاس ها با استفاده از فرمول آلفای کرونباخ از ۰/۶۳ تا ۰/۹۵ گزارش شده است. ثبات زمانی مقیاس ها با استفاده از روش آزمون - بازآزمون با یک فاصله زمانی ۵-۸ هفته بررسی شده که دامنه ضرایب ثبات زمانی از ۰/۳۲ تا ۰/۶۷ به دست آمده است. همچنین توافق بین پاسخ دهندگان نیز مورد بررسی قرار گرفته است که دامنه این ضرایب از ۰/۰۹ تا ۰/۶۷ نوسان داشته است.

جدول شماره ۱: محتوای جلسات آموزش مهارت های رفتاری

جلسه	هدف
اول	آشنایی، بیان قوانین کار و گروه، برقراری رابطه و آموزش خوب گوش دادن
دوم	معرفی انواع مهارت ها و کاربرد آموزش آنها و بررسی مبانی مهارت های زندگی
سوم	آموزش کنترل و مدیریت خشم
چهارم	آموزش خودآگاهی و شناسایی و تمرکز بر خود
پنجم	آموزش حل مسئله و آموزش رسیدن به تمرکز مبتنی بر تنفس
ششم	تمرین تمرکز بر خود و ذهن آگاهی و افزایش قدرت تمرکز
هفتم	آموزش ارتقای عزت نفس و افزایش آرامش با تمرکز
هشتم	پایان دهی به آموزش، جمع بندی و مرور آموخته ها

جدول شماره ۲: محتوای جلسات آموزش ذهنیت های طرحواره ای

جلسه	هدف
اول	آشنایی، بیان قوانین کار و گروه، برقراری رابطه و آموزش خوب گوش دادن
دوم	معرفی انواع ذهنیت ها و بررسی مبانی طرحواره های ناسازگار
سوم	شناخت علل خشم با استفاده از تکنیک آدمک ذهنیت ها
چهارم	شناسایی ذهنیت های فعال با استفاده از کارت های ذهنیت
پنجم	بررسی ذهنیت های مختلف با استفاده از آدمک های خانواده

ششم	برون ریزی پرخاشگری با استفاده از آموزش تکنیک والد سرزنشگر
هفتم	آموزش مدیریت پرخاش با استفاده از تکنیک بادکنک ها
هشتم	پایان دهی به آموزش، جمع بندی و مرور آموخته ها

## یافته ها

جدول شماره ۳: میانگین، انحراف استاندارد برای نمرات متغیرهای پژوهش در پیش آزمون و پس آزمون

گروه	پیش آزمون		پس آزمون	
	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد
گروه مهارت های رفتاری	۱۲/۶۰	۳/۶۹	۸/۶۰	۳/۶۹
گروه ذهنیت های طرحواره ای	۱۱/۱۳	۳/۵۰	۷/۴۶	۳/۹۴
گروه کنترل	۱۱/۱۳	۴/۸۰	۱۱/۴۰	۴/۴۰

مطابق اطلاعات حاصل از جدول، نمرات پرخاشگری در گروه مهارت های رفتاری و گروه ذهنیت های طرحواره ای در پس آزمون نسبت به پیش آزمون کاهش داشته است.

جدول شماره ۴: نتایج آزمون لون برای بررسی مفروضه برابری واریانس

آماره F	درجه آزادی ۱	درجه آزادی ۲	سطح معناداری
۱/۴۵۹	۲	۴۲	۰/۲۴۴
۰/۵۷۴	۲	۴۲	۰/۵۶۸

با توجه به جدول فوق، F بدست آمده معنی دار نیست. بنابراین تساوی واریانس ها برقرار است و اجرای کوواریانس امکان پذیر است.

جدول شماره ۵: خلاصه تحلیل کوواریانس در گروه های کنترل و آموزش مهارت های رفتاری

مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مربع	F	سطح معناداری
۹۳/۰۲۲	۲	۴۶/۵۱۱	۲/۹۲۷	۰/۰۷۱
۱۵۷/۱۸۵	۱	۱۵۷/۱۸۵	۹/۸۹۳	۰/۰۰۴
۳۴/۲۲۲	۱	۳۴/۲۲۲	۲/۱۵۴	۰/۱۵۴
۷۳/۴۴۶	۱	۷۳/۴۴۶	۴/۶۲۳	۰/۰۴۱

خطا	۴۲۸/۹۷۸	۲۷	۱۵/۸۸۸
کل	۳۵۲۲/۰	۳۰	

همان گونه که در جدول مشاهده می شود، بین دو گروه اثر اختلافی وجود دارد. به عبارت دیگر بین پس آزمون گروه آزمایش در آموزش مهارت های رفتاری و کنترل تفاوت معناداری وجود دارد. به معنای دیگر، آموزش مهارت های رفتاری در کاهش پرخاشگری کودکان کار اثربخش می باشد.

جدول شماره ۶: خلاصه تحلیل کوواریانس در گروه های کنترل و آموزش ذهنیت های طرحواره ای

سطح معناداری	F	میانگین مربع	درجه آزادی	مجموع مجذورات	
مدل اصلاح شده				۱۵۱/۳۴۲	۲
پس آزمون	۴/۵۰۰	۷۵/۶۷۱	۱	۱۴۷/۲۵۶	۱
متغیر	۸/۷۵۷	۱۴۷/۲۵۶	۱	۳۵/۳۰۹	۱
گروه	۲/۱۰۰	۳۵/۳۰۹	۱	۱۱۶/۰۳۳	۱
خطا	۶/۹۰۰	۱۱۶/۰۳۳	۲۷	۴۵۴/۰۲۴	۲۷
کل		۱۶/۸۱۶	۳۰	۳۲۷۵/۰	۳۰

همان گونه که در جدول مشاهده می شود، بین دو گروه اثر اختلافی وجود دارد. به عبارت دیگر بین پس آزمون گروه آزمایش در آموزش ذهنیت های طرحواره ای و کنترل تفاوت معناداری وجود دارد. به معنای دیگر، آموزش ذهنیت های طرحواره ای در کاهش پرخاشگری کودکان کار اثربخش می باشد.

### بحث و نتیجه گیری

نتایج پژوهش نشان داد هم آموزش مهارت های رفتاری و هم آموزش ذهنیت های طرحواره ای در کاهش پرخاشگری کودکان کار اثربخش می باشد. این نتایج با نتایج بابایی، یزدی و حسینیان (۱۳۹۰) که در پژوهشی دریافتند آموزش مهارت ها با رهنمود در کاهش اختلالات سلوک دانش آموزان دبستانی اثربخش است، همسو بود. درمانگر، در این پژوهش، اهداف آموزش را به صورت رشد خود، پختگی و رشد ارتباط دسته بندی کرده است. در زمینه رشد خود کودکان از کارگاه برای بیان احساسات و افکارشان، کشف علایق خود و کسب احساس کنترل بر روی محیط استفاده نمودند. در مورد فرآیند پختگی یا رشد، کارگاه مهارت ها می تواند به منظور رشد و توسعه مهارت های حرکتی، شناختی، زبانی و حل مسأله به کار برده شود که فرصت آگاهی یافتن از محیط خود را به کودک می دهد. آموزش مهارت های رفتاری به کودکان پرخاشگر کمک می کند تا شیوه های سازگاری

با محرک های تنش زا را یاد بگیرند و بنابراین مخالفت ها و نافرمانی های کنشی و رفتارهای ناسازگار آنها کاهش یافته یا حذف می شود.

آموزش مهارت های رفتاری، با مورد هدف قرار دادن عوامل بروز نافرمانی و لجبازی در کودکان، در کاهش این مشکلات در آنان مؤثر واقع می شود. کودکان در جریان آموزش قادر می شوند تا شیوه های ناسازگارانه مقابله را با شیوه های سازگارانتر جایگزین کنند و مهارت های مقابله ای مثبت تر را از طریق الگوسازی و خودگویی مثبت، به وسیله تمرینات گوناگون، یاد بگیرد و بیان کلامی احساسات را مدل سازی کنند. همچنین مهارت های متنوع و سودمندی را در زمینه های مختلف شناختی، عاطفی و اجتماعی به منظور برقراری ارتباط مناسب با دیگران و حل مشکلات به شیوه ای مؤثر فرا می گیرند و در طول جلسات درمان با انجام فعالیت های مختلف در ارتباط با سایر کودکان به تمرین این مهارت ها پرداخته و بر آنها تسلط می یابند. بنابراین قادر خواهند شد این مهارت ها را به موقعیت های مشابه در زندگی واقعی تعمیم داده و با به کارگیری آنها به حل مشکلات هیجانی و اجتماعی خود بپردازند و رفتارهای ناپهنجار ناشی از فقدان یا کمبود این مهارت ها به تدریج در آنها کاهش یافته و یا حذف می شود.

همچنین همان طور که نتایج پژوهش نشان داد، آموزش ذهنیت های طرحواره ای به نحو مؤثری موجب کاهش پرخاشگری کودکان کار شد. در نظریه ی روان تحلیل گری عنوان می شود، ایده ی طرحواره های شناختی بر این باور است که فرآیندهای ناهشیار بر فکر و عاطفه و رفتار تاثیر می گذارند. اما خلاف مفهوم ناهشیار در نظریه ی روان پویایی، طرحواره ها از طریق پردازش ناهشیار اطلاعات بر افکار، عاطفه و رفتار تاثیر می گذارند، نه از طریق انگیزش های ناهشیار و سائق های غریزی. به طور کلی در تبیین این امر چنین به نظر می رسد که رویکرد ذهنیت های طرحواره ای یک رویکرد جامع می باشد و شاید دلیل برتری آن بر رویکرد شناختی، تاکید آن بر رویکردهای درمانی مختلف در طول درمان با مراجعان است از جمله رویکردهای رفتاری، شناختی، تجربی و رابطه درمانی. در این رویکرد بر تغییر لحظه به لحظه در آگاهی نسبت به عواطف و احساسات تاکید می شود و کودکان با رویکرد تجربی می توانند با دیگران در ارتباط باشند و هیجانات منفی خود را نسبت به آنها نشان دهند و در این میان درمانگر وارد شده و از کودک آسیب پذیر دفاع کرده و نوعی همدلی در او ایجاد می کند و به مراجعان کمک می کند که از طریق بزرگسال سالم با کودک آسیب دیده ارتباط برقرار کنند و بین آنها گفتگویی ایجاد شود و به کودک آسیب دیده کمک می کند که وقایعی که در زمان حال در ارتباط با این احساس است را به خاطر آورد و با دیدگاه بزرگسال سالم به آن بنگرد.

اصلاح ذهنیت های طرحواره ای می تواند راهی برای دستیابی به بهبود بالینی دیرپا باشد؛ لذا توجه به ابعاد شناختی و عاطفی و عوامل مؤثر بر آن و همچنین بهبود خلق و خو و کاهش پرخاشگری، ضروری به نظر می رسد. بر این اساس مشاوران و دست اندرکاران مسائل بهداشت روانی می توانند با تعیین وضعیت کودکان و بالاختص کودکان کار و استفاده از داده های به دست آمده برای طراحی برنامه های پیشگیری از مشکلات روانشناختی از یک سو و برنامه های درمان از سوی دیگر بهره جویند.

## منابع و مراجع

۱. بابایی، م؛ یزدی، م و حسینیان، س (۱۳۹۰). بررسی اثربخشی بازی درمانی گروهی با رهنمود بر اختلال سلوکی دانش آموزان دبستانی، *اندیشه های نوین تربیتی*، دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی، دانشگاه الزهراء، دوره ۷، شماره ۱، ۴۹-۶۴.
۲. بایدن، جو و مایرس، و (۱۳۹۱). *روش های مبارزه با کار کودکان*، ترجمه سام هدا، تهران: دفتر یونیسیف.
۳. دفتر بین المللی کار (۲۰۱۰). تسریع اقدام علیه کار کودکان: گزارش جهانی تحت پیگیری اعلامیه سازمان بین المللی کار در مورد اصول اساسی و حقوق در اداره کار بین المللی ژنو
۴. خانکش، مریم؛ امینی رارانی، مصطفی و نصرت آبادی، مهدی (۱۳۹۹). تأثیر آموزش مدیریت خشم بر پرخاشگری و اضطراب کودکان کار، *کومش*، شماره ۲ (۷۸)، ۲۵۵-۲۶۲
۵. دوستیان، ی؛ بهمنی، ب و عظیمی گودیان، ا (۱۳۹۲). رابطه بین پرخاشگری و انگیزش و گرایش به اعتیاد در دانش آموزان پسر، *مجله توانبخشی*، ۱۴ (۲)، ۱۰۲-۱۰۹
۶. رحیمی احمدوند، س؛ آقامحمدیان شهرباف، ه؛ مدرس، م و کارشکی، ه (۱۳۹۲). بررسی اثربخشی گروه درمانی شناختی رفتاری بر کاهش پرخاش بیماران جراحی مغزی، *مجله پزشکی قانونی*، ۲۰ (۲)، ۳۷-۴۵
۷. محمدی، ن و چلمه، ر (۱۳۸۵). ارزیابی مدل طرحواره و میزان پرخاشگری کودکان و ارتباط آن با مشکلات رفتاری کودکان، *مجله دانشگاه روانشناسی تبریز*، ۱ (۳)، ۵۳-۶۴
۸. Eshter C, Izaskun O. Cognitive schema and aggressive behavior in adolescents: The mediating role of social information processing. *The Spanish Journal of Psychology* ۲۰۱۰ □ ۱۳(۱): ۱۹۰- ۲۰۱
۹. گلی، رحیم؛ هدایت، سعیده؛ دهقان، فاطمه و حسینی شورابه، مریم (۱۳۹۵). اثربخشی طرحواره درمانی گروهی بر بهزیستی روانشناختی و پرخاشگری دانشجویان، *مجله سلامت و مراقبت*، سال هجدهم، شماره سوم، ۲۷۰-۲۵۸
۱۰. Lobbestael J, Arntz A, & Sieswerda A. (2005). Schema modes and childhood abuse in borderline and anti-social personality disorders. *Journal of Behavior Therapy and Experimental Psychiatry*, 36, 240-253.
۱۱. Johnston C, Dorahy MJ, Courtney D, Bayles T, & O’Kane M. (2009). Dysfunctional schema modes, childhood trauma and dissociation in borderline personality disorder. *Journal of Behavior Therapy and Experimental Psychiatry*, 40: 248-255.
۱۲. Hanson K, Vandaele A. Working children and international labour law: A critical analysis. *Int'l J Child Rts* 2003; 11: 73-146.
۱۳. آبکنار، ج؛ عاشوری، م و افروز، غ (۱۳۹۲). تأثیر آموزش رفتارهای اجتماعی بر بهبود مهارت های اجتماعی نوجوانان عقب مانده. *مجله توانبخشی*، ۱۴ (۳)، ۳۱-۳۹
۱۴. Loannis A, Efrosini K. (2008). Nonverbal social interaction skills of children with learning disabilities. *Res Dev Disabili.*, 29(1):1-10.
۱۵. هارجی، ا؛ دیکسون، د و ساندرز، ک (۲۰۰۷). مهارت های اجتماعی در ارتباطات میان فردی، ترجمه خشایار بیگی و مهرداد فیروزبخت، تهران، نشر رشد
۱۶. به پژوه، ا و حسینی خازنده، ا (۱۳۹۱). شناخت نیازهای اجتماعی کودکان استثنایی در کلاس درس، *مجله مطالعات برنامه درسی ایران*، ۷ (۲۵)، ۳۱-۳۹